سیاست

نشست تخصصی «منازعات ایران و آمریکا؛ ریشه‌ها، روندها و آینده فرارو» در پژوهشکده امام خمینی(س) و انقلاب اسلامی؛

ساسان کریمی: اسرائیل تلاش می‌کند که پای آمریکا را در منطقه گیر بیندازد/ کارِ دیپلمات این است که کشور در «دوگانه میان تسلیم یا نابودی» قرار نگیرد/ سیاست خارجی ما یک نوع «رئالیسمِ تأخیری» دارد

ساسان کریمی طی سخنانی در نشست تخصصی «منازعات ایران و آمریکا؛ ریشه‌ها، روندها و آینده فرارو» در پژوهشکده امام خمینی(س) و انقلاب اسلامی، گفت: ترامپ اگر بتواند در برابر افکار عمومی ادعا کند بخشی از گره کوری را که طی چندین دهه میان ایران و آمریکا وجود داشته گشوده و تسهیل کرده است، با یک طراحی هوشمندانه از سوی ما، بسیاری از امتیازات قابل استحصال خواهد بود. ما ابتدا باید اهداف و اولویت‌های حیاتی خودمان را در رابطه با آمریکا شفاف کنیم و آنها را حل‌وفصل نماییم؛ اینکه سیاست ما صرفاً نفیِ مطلق باشد که «هر چه تو بگویی، نه!»، منطقی و پیش‌برنده نیست.

۱۴۰۵/۰۸/۰۷ ۱۸:۳۵:۵۱ # کد خبر: ۱۷۳۳۸۳۱



عضو هیأت علمی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران با اشاره به اینکه اسرائیل تلاش می‌کند که پای آمریکا را در منطقه کاملاً گیر بیندازد، گفت: کارِ یک دیپلمات، یا بهتر بگویم یک طراح سیاست خارجی، این است که طوری طراحی کند که کشور در «دوگانه میان تسلیم یا نابودی» قرار نگیرد. وگرنه وقتی سؤال این باشد که «ما باید چه کار کنیم؟» حتماً جواب این سؤال این است که نباید تسلیم شد! حکمرانی خوب و کارآمد این است که شما اصلاً طوری سیاست‌ورزی کنید که در آینده قابل پیش‌بینی در چنین دوگانه‌ای قرار نگیرید.

به گزارش خبرنگار جماران، ساسان کریمی در نشست تخصصی «منازعات ایران و آمریکا؛ ریشه‌ها، روندها و آینده فرارو» در پژوهشکده امام خمینی(س) و انقلاب اسلامی، گفت: امروز نظام بین‌الملل، یک «نظام پساقطبی» است؛ از دوقطبی تغییر کرده، ولی نه به یک جهان تک‌قطبی با هژمونی آمریکا. در نظام پساقطبی نه هیچ کشوری می‌تواند قطب واحد باشد، و نه بازیگرانش صرفاً منحصر به دولت‌ها هستند. منابع قدرت، ارتش‌ها، اقتصاد و بازرگانی دیگر در انحصار دولت نیست؛ رسانه‌ها دیگر در انحصار دولت‌ها نیستند.

وی با اشاره به اینکه آمریکایی‌ها پروژه خود را در مورد منطقه عوض کرده‌اند، تصریح کرد: یکی از خطاهای ذهنی که الآن داریم این است که فکر می‌کنیم آمریکایی‌ها اصرار دارند «حضور فیزیکی‌شان» را در این منطقه حفظ کنند و ما باید آنها را از منطقه بیرون کنیم؛ اصلاً این‌طوری نیست! بعد از جنگ عراق، فکر می‌کنم سال ۲۰۰۶ دو تا وزیر خارجه

سابق آمریکا گزارشی تهیه کردند که می‌گوید حمله‌ای که ما به عراق کردیم و این نوع استراتژی در خاورمیانه، به ضرر آمریکاست.

کریمی ادامه داد: در سال ۲۰۱۱ خانم کلینتون که وزیر خارجه بود، مقاله‌ای می‌نویسد و توضیح می‌دهد که اولویت آمریکا این است که از دردسر خاورمیانه خودش را فارغ کند و به سمت شرق، یعنی به سمت چین برود تا مهار چین اولویت اولش باشد. این به چه معناست؟ آیا آمریکا پسر خوبی شده؟ نه! دست از منافعش نمی‌خواهد بردارد، ولی حضور فیزیکی برای او پُرهزینه است؛ بنابراین تلاش می‌کند که موضوع را به سمت «نفوذ غیرمستقیم» ببرد؛ یعنی حکومت‌هایی که در این منطقه هستند، نزدیکش باشند و نظم منطقه‌ای را در راستای منافع آمریکا در اختیار داشته باشند؛ ولی اینکه بیاید حضور فیزیکی و نظامی سنگین داشته باشد، دیگر اصلاً در آمریکا جذاب نیست، برای اینکه خسارت و هزینه‌اش خیلی زیاد است.

وی تأکید کرد: «پیمان مکه» یا سازوکارهای مشابه، در واقع پاسخی است به همین که آمریکا در درگیر کردن مستقیم کشورهای عربی ناکام بوده؛ آن‌ها را ناامن کرده و حضور آمریکا برایشان پرهزینه شده است. کشورهای منطقه هم دیگر الآن خیلی تمایلی به حضور سنگین نظامی ندارند، ولی لابی‌های قدرتمندی وجود دارد که با این فرمانی که آمریکا می‌خواهد خود را بکشد به سمت شرق، مخالفند. بنابراین، هر کاری می‌کنند که آمریکا را در این منطقه حفظ کنند.

عضو هیأت علمی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران با اشاره به اینکه اسرائیل تلاش می‌کند که پای آمریکا را در منطقه کاملاً گیر بیندازد، گفت: چیزی که آمریکایی‌ها انجام می‌دهند، منطبق با «سند امنیت ملی» خودشان است که در آنجا هم می‌گوید آمریکا آمادگی درگیری طولانی‌مدت و پرهزینه را ـ به جز در نیمکره غربی خود آمریکا ـ ندارد. نظر آمریکایی‌ها این است که جنگ‌ها را زیر ۱۰ روز باید تمام کنند. مثل جنگ ۱۲ روزه که آمدند یک ضربه سریع زدند و تمامش کردند، اصلاً ترجیح می‌دهند یک ضربه سریع بزنند و خودشان کنار بکشند.

تبلیغ 1



فروش فوری و نقد خودروی شما 🚗

ثبت درخواست فروش

وی افزود: چیزی که آمریکایی‌ها چه در صلح و چه در جنگ، چه در مذاکره دنبال می‌کنند، بیشتر این است که هزینه‌های خودشان در این منطقه را کم کنند و نفوذشان را به وسیله ابزارهای جایگزین مثل ترکیه، عربستان سعودی، اسرائیل، پاکستان و قطر ادامه دهند. این یک تصویری است که ما باید در ذهن خودمان درست بکنیم. اگر این‌طور است، آن‌وقت راه‌های متقابلی وجود دارد برای اینکه ما هم منافع خودمان را پیگیری کنیم؛ یک جاهایی منافع ما با آمریکا اتفاقاً در راستای همین خروج آمریکا از منطقه است و بقیه در مقابلش هستند.

کریمی یادآور شد: توانمندی دفاعی ایران به جایی رسیده که می‌تواند امنیت خاک خودش را به طور خودبسنده و خودکفا تأمین کند. ما الآن قدرت جهانیِ اقتصادی نیستیم، ولی به قول رهبری، دوران «بزن‌دررو» تمام شده است! واقعاً تمام شده است؛ حتی آمریکا هم می‌داند که ما می‌زنیم. شما یک کشور دیگر را در دنیا نشان دهید که آمریکا به آن حمله کند و آن کشور بلافاصله پاسخ دهد. همین یک کشور در برابر قدرتمندترین ارتش‌های جهان ایستاده است.

وی ادامه داد: بنابراین، ما آن تمایل و آرزویی را که از زمان قاجار به دوش می‌کشیدیم ـ که قاجارها تحمل کردند، پهلوی‌ها تحمل کردند و جمهوری اسلامی هم وارث آن بود که آیا می‌توانیم روزی خودبسنده باشیم؟ ـ محقق کردیم. ما در قبل از جمهوری اسلامی هر جنگی که شد، خاک از دست دادیم؛ ارمنستان، قفقاز، هرات، بحرین... موقع جنگ جهانی دوم هم کشور اشغال شد. اما بالأخره ما الآن توانستیم به نقطه‌ای برسیم که اعلام کنیم، بزنید، می‌زنیم.

عضو هیأت علمی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران یادآور شد: فقط میدان و نیروی نظامی نیستند، همه مردم موقع بحران می‌ایستند، زندگی را ادامه می‌دهند، می‌ایستند و گفتمان لازم را تولید می‌کنند؛ و این دیگر «ایرانِ قاجار» نیست! هیچ‌کس جنگ نمی‌خواهد، ولی اگر روزی تحمیل شود، دفاع می‌کنیم.

وی در بخش دیگری از سخنان خود تأکید کرد: کارِ یک دیپلمات، یا بهتر بگویم یک طراح سیاست خارجی، این است که طوری طراحی کند که کشور در «دوگانه میان تسلیم یا نابودی» قرار نگیرد. وگرنه وقتی سؤال این باشد که «ما باید چه کار کنیم؟» حتماً جواب این سؤال این است که نباید تسلیم شد! حکمرانی خوب و کارآمد این است که شما اصلاً طوری سیاست‌ورزی کنید که در آینده قابل پیش‌بینی در چنین دوگانه‌ای قرار نگیرید.

کریمی گفت: دومین چیزی که باید به آن توجه کنیم این است که «همیشه دیر تصمیم می‌گیریم». سیاست خارجی مثل تنیس‌بازی‌کردن می‌ماند. شما یک تنیسور را تصور کنید؛ اگر این بازیکن بخواهد با دو ثانیه تأخیر راکت بزند، چه اتفاقی برایش می‌افتد؟ مهم این است که شما در لحظه تصمیم بگیرید و ضربه بزنید. همان را انجام می‌دهید و بعد دوباره می‌بازید و فایده‌ای ندارد و می‌گویید جواب نداد! زمانش همان موقع بود. سیاست خارجی ما یک نوع «رئالیسمِ تأخیری» دارد که این هم ما را گرفتار می‌کند.

وی تأکید کرد: اگر قرار است توسعه پیدا کنیم و از این بحران‌ها خلاص شویم، باید بدانیم که ما یک «کشور استثنایی» نیستیم. این را باید باور کنیم که ما واقعاً در اولویت نخست جهان نیستیم. حالا چرا برای اسرائیل هستیم؟ چون اسرائیل در منطقه نیاز به دشمن دارد و از سال ۱۹۹۴ پروژه‌ای را شروع کرده که ما را به‌جای خودش به عنوان دشمن اعراب و دشمن منطقه جا بزند؛ الآن هم دارد انجام می‌دهد. ولی ما برای آمریکا و جاهای دیگر، یک کشور استثنایی و خیلی شاخصی که کل معادلاتمان با بقیه دنیا فرق داشته باشد، نیستیم. این‌طوری نیست که سرنوشت جهان در دستان ما باشد؛ این تصوراتی که ما از خودمان داریم کار را خراب می‌کند. بنابراین، تصویر خودمان را اول باید اصلاح کنیم.

تبلیغ



ثبت برند ویژه و فوری 02152712

تماس با ما

عضو هیأت علمی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران افزود: اساساً باید طوری طراحی کنیم که در کانون اصطکاک و توجه منفی جهان قرار نگیریم. قرار نیست ما همیشه در صدر اخبار بحران باشیم! ما گاهی لذت می‌بریم که مثلاً تیتر یکِ اخباریم! من در پاییز ۱۴۰۳ نوشتم زمانی که در آمریکا انتخابات برگزار می‌شود و قرار است رئیس‌جمهور عوض شود، فاصله میان نوامبر تا ژانویه که رئیس‌جمهور جدید به کاخ سفید می‌رود، فرصت طلایی است؛ در این فاصله، همه کشورها — از ژاپنی‌ها تا اروپایی‌ها — می‌روند در آمریکا لابی می‌کنند و می‌مانند تا ملاقات بگیرند و خودشان را از نوک پیکان حملات، از صدر اخبار و از اولویت خصمانه طرف مقابل پایین بیاورند. ما هم می‌توانستیم این کار را بکنیم؛ پیشنهادش را هم دادیم.

وی اظهار داشت: دوستانِ ما هم در منطقه این کار را می‌کنند؛ حتی دوستان ما برای اینکه خودشان اولویتِ فشار آمریکا نباشند، ما را در اولویت قرار می‌دهند! دشمنان که تکلیفشان روشن است، ایران‌هراسی می‌کنند؛ اما دوستان و متحدان منطقه‌ای هم برای اینکه بار فشار را از روی دوش خود بردارند، ما را جلو می‌اندازند و ما وسط ماجرا می‌افتیم. بنابراین، ما امروز بی‌دلیل و بر اثر همین اشتباهات محاسباتی، اولویت اول بحران و تقابل شده‌ایم. اساساً کار نباید به این نقطه کشیده می‌شد.

کریمی تأکید کرد: نه اعطای یک‌جانبه امتیازها ـ از قبیل پرونده هسته‌ای یا موقعیت تنگه هرمز و مواردی از این دست ـ هنر دیپلماسی است، و نه صرفاً مقاومت و سرسختی نشان دادن و پافشاری کور؛ پافشاریِ محض بدون ابتکار دیپلماتیک کار هنرمندانه‌ای به شمار نمی‌رود. بعد از آن هم طرف مقابل یا ضربه می‌زند و کشور را متحمل خسارت و کشتار می‌کند یا نمی‌کند؛ قرار گرفتن در چنین وضعیتی نیز هنر نیست و تفکر برتری در پسِ آن قرار ندارد. تفکر برتر و خلاقانه این است که شما بتوانید «گزینه سوم» را خلق کنید. این گزینه سوم کاملاً قابلیت تولید و تدوین دارد؛ هم‌اکنون نیز به ذهن برخی خطور کرده و مدل‌هایی برای آن وجود دارد، اما مسأله اصلی بر سر اراده سیاسی برای اجرای آن است.

وی افزود: راهکار خروج کشور از این شرایط، قطعاً هیچ‌یک از آن دوگانه افراطی و باخت‌ـباخت نیست؛ بلکه خلق گزینه‌هایی است که متغیرهای هر دو طرف را بازتعریف کند. اراده ترامپ بر این است که تحت هیچ شرایطی بدون تصویر یک «پیروزی» از این معرکه خارج نشود و شکست‌خورده به نظر نرسد. چنین امری شدنی است؛ اما به شرط آنکه پیروزیِ او به معنای «شکست قطعی ما» تعریف نشود. اگر معادله طوری چیده شود که پیروزی او لزوماً مساوی با شکست و تحقیر ما باشد، حتماً پیروز نخواهد شد و ایران زیر بار آن نخواهد رفت.

عضو هیأت علمی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران گفت: طراحی دقیق و هوشمندانه در سیاست خارجی به گونه‌ای است که شما بتوانید دو سر منافع متضاد را «هم‌راستا» کنید. این هم‌راستاسازی منافع در حال حاضر کاملاً امکان‌پذیر است. اما بیم من این است که باز هم به این هشدارها و طرح‌ها گوش ندهند و دو ماه دیگر که هزینه‌ها تحمیل و بحران عمیق‌تر شد، بگویند طراحی شما را انجام دادیم و نشد. غافل از اینکه باز هم نتوانستند متغیر زمان و هزینه را به درستی محاسبه کنند.

تبلیغ



ثبت شرکت فوری خارج از نوبت 02152712

تماس با ما

وی افزود: «راهکار سوم» اساساً متکی به شناخت روان‌شناسی ترامپ و بازی در زمینِ «پرستیژ» و اعتبار سیاسی اوست. ترامپ اگر بتواند در برابر افکار عمومی ادعا کند بخشی از گره کوری را که طی چندین دهه میان ایران و آمریکا وجود داشته گشوده و تسهیل کرده است، با یک طراحی هوشمندانه از سوی ما، بسیاری از امتیازات قابل استحصال خواهد بود. ما ابتدا باید اهداف و اولویت‌های حیاتی خودمان را در رابطه با آمریکا شفاف کنیم و آنها را حل‌وفصل نماییم؛ اینکه سیاست ما صرفاً نفیِ مطلق باشد که «هر چه تو بگویی، نه!»، منطقی و پیش‌برنده نیست.

کریمی تأکید کرد: اگر قرار است از الگوی توسعه چین بیاموزیم، درس نخست این است که یک کشور نمی‌تواند ۱۵۶ تا «اولویت اول» داشته باشد! شما باید یک اولویت نخست صریح، واحد و اجماع‌ساز برای منافع ملی تعیین کنید و تمام مناسبات سیاست خارجی را حول همان ستون فقرات سامان دهید. اگر اراده بر این است که کشور به جلو حرکت کند، دفع شر شود، پای آمریکا از دخالت مستقیم در منطقه بریده شود، اسرائیل در تنگنا و انزوا قرار گیرد و مسیر توسعه کشور هموار گردد، باید نوع نگاهمان را به این اولویت کلان اصلاح کنیم.

وی اظهار داشت: آیا برای رسیدن به این مقصود، لزوماً باید امتیاز ملموس و واقعی دهیم؟ پاسخ من منفی است! اصلاً نیازی به واگذاری امتیازهای بنیادین نیست. در دنیای امروز، «روایت» به مراتب بهتر و گران‌تر از «امتیاز واقعی» فروخته می‌شود. شما می‌توانید چنان روایت‌های هوشمندانه‌ای خلق کنید که ترامپ با آن در برابر تمام عالم مانور پرستیژ دهد و پزِ یک توافق تاریخی را بگیرد، در حالی که در میدان عمل، مدیریت تنگه هرمز در دستان خودمان باقی بماند، برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای را با تدبیر خود پیش ببریم، بر سر توان دفاعی و موشکی هیچ امتیازی واگذار نکنیم، و در عین حال بحران را مهار سازیم.

عضو هیأت علمی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران یادآور شد: امروز عرصه دیپلماسی بیش از آنکه میدان تبادل دارایی‌های مادی باشد، میدان جنگ روایت‌ها و مدیریت فضای روانی است؛ دقیقاً همان کاری که سال‌هاست علیه ما پیاده کرده‌اند. اسرائیلی‌ها با پرونده هسته‌ای ایران همین معامله را کردند؛ آنها از «هیچ»، یک بحران عظیم امنیتی برای دنیا ساختند و آن را تبدیل به ابزار فشار علیه ما کردند. اشتباه مکرر ما نیز همین بوده که پیوسته در

همان دامی می‌افتیم که برایمان طراحی کرده‌اند؛ آنها مدام تصویرسازیِ تهدید می‌کنند و ما هم ناخواسته در همان پازل بازی می‌کنیم و می‌پنداریم اگر فلان بخش را تعدیل نکنیم، تهدید بالفعل می‌شود.

وی در پایان تأکید کرد: من به عنوان کسی که تحصیلات اولیه‌ام در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته فیزیک هسته‌ای بوده است، با شناخت فنی و عینی عرض می‌کنم، ماهیت ماجرا به هزار و یک دلیل، آن‌گونه که بازنمایی می‌شود یک تهدید نظامی نیست. هرکس به شما بگوید که صرفِ پافشاری بر فرم‌های کنونی بازدارندگی مطلق می‌آفریند، بخش عمده‌ای از این ادعاها شعار است. بازدارندگیِ واقعی در بازی هوشمندانه روایی، حفظ بنیان‌های قدرت ملی، مدیریت صحیح ابزارهای استراتژیک و خلع سلاح روانی و تبلیغاتی طرف مقابل نهفته است.

انتهای پیام